

اخبار و گزارش های کارگری 9 بهمن ماه 1404

- مقاومت زندگی ست

- جنایت علیه معلمان و کودکان؛ معلمان زندانی آزاد باید گردند؛ سرکوب و کشتار کودکان متوقف باید گردد

- از آخرین خبری که در کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شد ۲۱ روز گذشت

- #نیمکت های_ خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

- بازداشت ناسو کیخسروی، دانش آموز ۱۷ ساله از جوانرود

- بازداشت علی عیوضی، دانش آموز ۱۶ ساله در باغملک

- بازداشت محمدرضا برادران، دانش آموز ۱۸ ساله در مشهد

- بازداشت علی ایمانی مطلق، معلم اهل لرستان

- بازداشت احمد علیزاده توسط اطلاعات سپاه

- دانشجویان متحد:

1- پارسا عباسپور به قتل رسید

2- علی بهروز دوست به قتل رسید

3- آرتین عبداللهی به قتل رسید

4- مرضیه کمالی به قتل رسید

5- راحله معینی به دست نیروهای سرکوب ربوده شد

6- امین نوروزی بازداشت شد

7- ایلیا بخشایی بازداشت شد

8- ایلیا میرزایی بازداشت شد

9- سعید درودی آزاد شد

- گزارش از کلاهبرداران مقابل دادسرای تهران؛ سوءاستفاده از خانواده بازداشتی ها

عده ای به بهانه تسریع پرونده، با وعده آزادی بازداشتی ها از وضعیت خانواده ها سوءاستفاده کرده و از آنها چند صد میلیون تومان طلب می کنند

- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه بهشتی
- بیانیه‌ی جمعی از دانشجویان دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی بهشتی در همراهی با تحریم امتحانات
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر تهران
- بیانیه جمعی از دانشجویان پردیس علوم دانشگاه تهران و دعوت به تحریم امتحانات
- پیام همبستگی اتحادیه کارگران حمل و نقل میلان ایتالیا
- پیام دریافتی از کمیسیون‌های کارگری اسپانیا در حمایت از مردم ایران
- هشدار کارگران گروه ملی فولاد
- مرگ و مصدومیت 6 نفر بر اثر آتش‌سوزی در یک سوله نگهداری مواد پلیمری و رزین شهرک صنعتی کاوش ساوجبلاغ

*مقاومت زندگی‌ست

در جریان جنبش‌های اجتماعی، روان ما به شدت تحت تأثیر خشونت، ناامیدی، امید و احساسات متناقض قرار می‌گیرد. یکی از ابزارهای اصلی حکومت‌های سرکوبگر، حمله به همین روان است؛ تلاش برای گرفتن امید، فرسوده کردن ما و از هم پاشیدن درونی‌مان. آن‌ها به بدن‌ها شلیک می‌کنند، بازداشت و زندان را به کار می‌گیرند و ما را خسته، بیمار، افسرده و خاموش می‌خواهند.

در چنین شرایطی، مراقبت از خود یک کار فردی یا لوکس نیست؛ یک کنش انقلابی و یک آکت سیاسی است. مراقبت از روان و بدن، ایستادن در برابر پروژه‌ی فرسایش و نابودی است.

مقاومت زندگی‌ست

کانال صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***جنایت علیه معلمان و کودکان؛ معلمان زندانی آزاد باید گردند؛ سرکوب و کشتار کودکان متوقف باید گردد**

بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در جریان خیزش دی‌ماه امسال موج تازه‌ای از بازداشت، احضار و اعمال فشارهای امنیتی علیه معلمان و فعالان صنفی در نقاط مختلف کشور به راه افتاده است. این اقدامات در ادامه‌ی سیاست سرکوب سازمان‌یافته‌ی حق تشکلیابی، آزادی بیان و فعالیت‌های صنفی معلمان صورت می‌گیرد و نشان‌دهنده‌ی تشدید فضای امنیتی علیه جامعه‌ی فرهنگیان است.

طبق این گزارش‌ها، رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان در همدان در ۱۹ دی، عبدالله رضایی، فعال صنفی و عضو شورای هماهنگی در هرسین در ۱۸ دی، آرمان شاپوری، معلم در ایزه در ۹ دی،

شروین حمیده، معلم در کرج (گوهردشت) در ۱۱ دی، جلیل شیردل، معلم بازنشسته در بابل در ۱۴ دی، اسماعیل خدایاری، معلم در قزوین در ۱۴ دی، کیومرث واعظی، معلم بازنشسته در سنقر در ۱۵ دی، محسن شعبانی، ۳۲ ساله، معلم فیزیک و عکاس در قزوین در ۱۹ دی، حسین رمضانپور، فعال صنفی معلمان استان خراسان شمالی در بجنورد در ۱۹ دی‌ماه، مهدی نظری، دبیر فیزیک در نورآباد دلفان و آرش نیکخو، معلم، فعال محیط‌زیست و بنیان‌گذار «یگان سیاوش» در دهدشت بازداشت یا احضار شده‌اند. همچنین گزارش‌هایی از بازداشت چند معلم دیگر و احضار کوکب بداغی به نهادهای امنیتی در روزهای اخیر دریافت شده است.

در کنار این بازداشت‌ها، جامعه‌ی فرهنگیان شاهد کشتار معلمان فداکار و شریف است. از جمله معلمان جان‌باخته در خیزش دی‌ماه می‌توان به کامران اکبری، معلم در اسلام‌آباد غرب؛ کرمعلی اعلایی، معلم بازنشسته در خمینی‌شهر؛ رضا کریمی‌فر، معلم بازنشسته در چالوس؛ مصطفایی، معلم بازنشسته در سنقر و علیرضا (یاسین) انصاری‌فر، معلم در مارلیک اشاره کرد. این جان‌باختگان بر اثر خشونت و سرکوب غیرقانونی جان خود را از دست داده‌اند و مسئولیت مستقیم این قتل‌ها بر عهده‌ی حاکمیت است.

همچنین مسعود فرهیخته، معلم زندانی، از ۲۹ شهریورماه برای اجرای حکم سه سال و شش ماه و یک روز در زندان مرکزی کرج محبوس است و تاکنون در چند نوبت به سلول انفرادی منتقل شده است.

همزمان، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران تاکنون اسامی ده‌ها کودک و نوجوان جان‌باخته در جریان خیزش دی‌ماه را همراه با تصاویر منتشر کرده و خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد با محکومیت مجدد کشتار و بازداشت معلمان و فعالان صنفی و برخوردهای خشونت‌بار با کودکان و نوجوانان، تأکید می‌کند که معلمان زندانی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند و حق فعالیت صنفی، آموزشی و مدنی فرهنگیان به رسمیت شناخته شود. سرکوب، کشتار و تهدید امنیت کودکان نقض بی‌رحمانه و آشکار حقوق بنیادین انسانی است و مسئولیت جان و سلامت تمامی بازداشت‌شدگان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، مستقیماً بر عهده‌ی حاکمیت است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۹ بهمن ۱۴۰۴

***از آخرین خبری که در کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شد ۲۱ روز گذشت**

در شامگاه خونین پنج‌شنبه ۱۸ دی‌ماه بود که به یکباره با قطع اینترنت؛ سراسر کشور در ظلمت و تاریکی فرو رفت.

در آن لحظه کمتر کسی متوجه شد که فرمان قتل عام و کشتار جمعی مردم معترض ایران توسط فرقه جنایتکار حاکم بر کشور صادر شده است.

این بار دستور قطع اینترنت؛ نه فقط برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات مردمی؛ بلکه با هدف اجرای فرمان بزرگترین کشتار جمعی در تاریخ معاصر ایران صادر شده بود.

ظرف دو روز؛ دهها هزار انسان آزادیخواه و بی سلاح؛ با وحشیانه ترین شکلی از قتل و انسان کشی در خون خود غلتیدند و جمهوری اسلامی چنان جنایتی را رقم زد که زبان و قلم از به تصویر کشیدن آن عاجز مانده است.

بی تردید حکومت اسلامی در دریای خونی که بر پا کرده است دیر یا زود؛ و قریب به یقین؛ بزودی غرق خواهد شد.

این حکم بی بازگشت؛ قطعی و تاریخی مردم آزادیخواه ایران است.

و بر متن چنین حکمی؛ نقش آفرینی ما کارگران از طریق دست بردن به اعتصابات سیاسی سراسری؛ آن حلقه مفقوده و بشدت تعیین کننده ای است که میتواند انقلاب به خون خفته ی مردم آزادیخواه ایران را با قطعیت و سرعتی فزاینده؛ به سوی پیروزی رهنمون سازد و راه را بر نیروهای سیاهی که برای جانشینی حکومت اسلامی چشم به لشکرکشی نظامی و جنگ و ویرانی دوخته اند؛ بر بندد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

****نیمکت های خالی**

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

خون کودکان بی گناه، محصول مستقیم سرکوب بی رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده اش ربوده شد.

102- نام کودک: ساجده کریمی

محل کشته شدن: آستانه اشرفیه، گیلان

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

103- نام کودک: امیرعباس مومنی

محل کشته شدن: اسلامشهر

تاریخ: __ دی ماه ۱۴۰۴

104- نام کودک: ایلینا قدسی

محل کشته شدن: شهر قدس، تهران

تاریخ: __ دی ماه ۱۴۰۴

105- نام کودک: پرنیان دلیری آبکناری

محل کشته شدن: اسلامشهر

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

106- نام کودک: عرشیا عسکری

محل کشته شدن: مشهد

تاریخ: __ دی ماه ۱۴۰۴

107- نام کودک: محمد طاهای سپهوند

محل کشته شدن: خرم آباد

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

108- نام کودک: مهدی گنج دانش

محل کشته شدن: زنجان

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

109- نام کودک: امیرحسین محمدزاده

محل کشته شدن: تهران

تاریخ: __ دی ماه ۱۴۰۴

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با خانواده‌های داغدار، خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان است.

توجه: شورا اسامی این کودکان را بر اساس اخبار منتشرشده در شبکه‌های قابل اعتماد و منابع معتبر منتشر می‌کند. اگر اطلاعاتی موثق دارید، لطفاً با ما به اشتراک بگذارید تا گزارش‌ها دقیق‌تر و مستندتر شوند.

(برای مشاهده تصاویر به کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران مراجعه شود)

***بازداشت ناسو کیخسروی، دانش‌آموز ۱۷ ساله از جواهرود**

ئاسو کیخسروی، ۱۷ ساله، دانش‌آموز اهل جوانرود، پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی، سه روز است که هیچ خبری از او در دست نیست. تا زمان انتشار این خبر، محل نگهداری و وضعیت جسمی و روانی این نوجوان نامعلوم است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این بازداشت و فقدان اطلاعات درباره وضعیت این دانش‌آموز را به‌شدت محکوم می‌کند و آن را نقض آشکار حقوق کودک، حق آموزش و کرامت انسانی می‌داند. این شورا خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط ئاسو کیخسروی و سایر دانش‌آموزان بازداشتی بوده و مسئولیت هرگونه آسیب جسمی و روانی را متوجه نهادهای امنیتی می‌داند.

***بازداشت علی عیوضی، دانش‌آموز ۱۶ ساله در باغملک**

علی عیوضی، ۱۶ ساله، دانش‌آموز اهل باغملک، بامداد ۱۹ دی ۱۴۰۴ در پی یورش بیش از ۶۰ نیروی نقابدار و مسلح به منزل خانوادگی‌اش بازداشت شد و در حال حاضر در کانون اصلاح و تربیت اهواز نگهداری می‌شود.

بر اساس اطلاعات تأییدشده، این نوجوان تحت بازجویی قرار دارد و مأموران امنیتی او را برای اعتراف اجباری علیه برخی نزدیکانش تحت فشار گذاشته‌اند. تا زمان انتشار این خبر، جزئیاتی درباره وضعیت دقیق جسمی و روانی او اعلام نشده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این بازداشت را به‌شدت محکوم و آن را نقض آشکار حقوق کودک و نوجوان، حق آموزش و کرامت انسانی می‌داند. این شورا خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این دانش‌آموز و سایر کودکان بازداشتی بوده و مسئولیت هرگونه آسیب جسمی و روانی را متوجه نهادهای امنیتی می‌داند.

***بازداشت محمدرضا برادران، دانش‌آموز ۱۸ ساله در مشهد**

محمدرضا برادران، ۱۸ ساله، دانش‌آموز پایه دوازدهم رشته تجربی دبیرستان هاشمی‌نژاد ۳ مشهد، روز هشتم بهمن‌ماه در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل خانوادگی‌اش بازداشت شد.

بر اساس اطلاعات تأییدشده، نهاد بازداشت‌کننده وزارت اطلاعات بوده است. تا زمان انتشار این خبر، جزئیاتی درباره محل نگهداری و وضعیت این دانش‌آموز اعلام نشده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این بازداشت را به‌شدت محکوم و آن را نقض آشکار حقوق کودک و نوجوان، حق آموزش و کرامت انسانی می‌داند. این شورا خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این دانش‌آموز و سایر کودکان بازداشتی بوده و مسئولیت هرگونه آسیب جسمی و روانی را متوجه نهادهای امنیتی می‌داند.

***بازداشت علی ایمانی مطلق، معلم اهل لرستان**

طبق خبر دریافتی، آقای علی ایمانی مطلق، روز سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۴ با یورش نیروهای امنیتی به منزلش در لرستان بازداشت شد. از اتهامات و دلایل بازداشت و محل نگهداری ایشان اطلاعی در دست نیست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران خواهان آزادی فوری ایشان و مختومه شدن پرونده‌های فعالان صنفی و مدنی، و آزادی بی قید و شرط همه‌ی دانش‌آموزان و معلمان زندانی است.

***بازداشت احمد علیزاده توسط اطلاعات سپاه**

احمد علیزاده، معلم و فعال سیاسی اهل آبدانان در استان ایلام که در جریان قیام ژینا به زندان و تبعید محکوم شده بود، شب گذشته ۸ بهمن در مسیر آبدانان توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد.

تا لحظه انتشار این خبر، هیچ اطلاعی از وضعیت سلامتی و محل نگهداری او در دسترس نیست.

بی‌خبری مطلق از سرنوشت بازداشت‌شدگان، نگرانی‌ها درباره امنیت جانی آنان را افزایش داده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***دانشجویان متحد:**

1- پارسا عباسپور به قتل رسید

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، جاویدنام پارسا عباسپور، ۲۴ ساله (متولد دوم آذرماه ۱۳۸۰)، دانشجوی دانشگاه فرهنگیان و رشته دبیری زبان انگلیسی، روز ۱۸ دی‌ماه در شهر فردیس با شلیک گلوله جنگی نیروهای سرکوبگر جان خود را از دست داد. گلوله به قلب او اصابت کرد و پارسا در همان لحظه در آغوش پدرش جان باخت.

پارسا تنها فرزند خانواده بود و پدرش فرهنگی بازنشسته‌ای است که ۳۰ سال در خدمت آموزش این سرزمین بوده است. او در کنار تحصیل، در یک بوتیک نیز مشغول به کار بود.

به گفته منابع محلی، نیروهای سرکوبگر از پشت‌بام ساختمان راهنمایی و رانندگی فردیس به سوی مردم تیراندازی کرده‌اند.

2- علی بهروز دوست به قتل رسید

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، جاویدنام علی بهروز دوست، اهل تهران، دانش‌آموخته ورودی ۹۸ رشته آبیاری دانشگاه تهران و پردیس کشاورزی و منابع طبیعی و ۲۵ ساله، در تاریخ ۱۹ دی‌ماه و با شلیک گلوله جنگی نیروهای سرکوبگر جان خود را از دست داده است. وی در شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه، در هفت‌حوض تهران مجروح شده بود.

دوستان این دانشجوی دانشگاه تهران می‌گویند: «علی فردی بسیار خوش‌قلب و مهربان بود و مرگش، ضایعه بزرگی برای اطرافیان و هم‌کلاسی‌هایش است؛ کسانی که او را می‌شناختند و برای ما از صمیمیت و گرمای صدای علی گفتند».

گفتنی است که مراسم خاکسپاری این جاویدنام، به شکل مخفیانه و با حضور گسترده مامورین انجام گرفته است.

او بر روی بازویش این جمله را تتو کرده بود:

For those I love I will sacrifice.

برای آنان که دوستشان دارم، از جان خویش می‌گذرم.

3- آرتین عبداللہی به قتل رسید

به گزارش ههنگاو، آرتین عبداللہی، دانشجوی کرد اهل شهرستان سردشت، در جریان اعتراضات مردمی در تهران با شلیک مستقیم گلوله سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته شد.

به گفته منابع آگاه، خانواده آرتین عبداللہی جهت رسانه‌ای نکردن خبر کشته‌شدن فرزندشان و عدم انتشار جزئیات قتل وی تحت فشار و تهدیدهای امنیتی قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که تصویری از این دانشجوی کشته‌شده در دست نیست.

4- مرضیه کمالی به قتل رسید

جاویدنام مرضیه کمالی (بلوچکاره)، ۲۱ ساله، دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه آزاد کرمان و اهل عنبرآباد، روز جمعه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهر کرمان با شلیک سرکوبگران جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد.

5- راحله معینی به دست نیروهای سرکوب ربوده شد

به گزارش ههنگاو، راحله معینی، دانشجوی ۲۳ ساله که به تازگی برای دیدار با خانواده از ایتالیا به تهران بازگشته بود، در تاریخ ۱۸ دی ماه در سعادت‌آباد تهران با شلیک سرکوبگران جمهوری اسلامی زخمی و سپس ربوده شده است.

راحله معینی دانش‌آموخته رشته مهندسی پزشکی از دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران بوده و همچنین دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی پزشکی در دانشگاه پلی‌تکنیک میلان است. او همچنین در حوزه مدلینگ فعالیت داشت و با چندین مجله مد همکاری کرده بود.

شاهدان عنوان کرده‌اند که او و یکی از دوستانش پس از زخمی‌شدن در یکی از کوچه‌ها تا زمان رسیدن کمک پناه می‌گیرند، اما دیگر اثری از آن‌ها پیدا نمی‌شود.

با وجود گذشت بیش از ۲۰ روز از بازداشت راحله معینی، تاکنون اطلاعی از وضعیت وی در دست نیست.

6- امین نوروزی بازداشت شد

به گزارش باشگاه دانشجویان دانشگاه یزد، امین نوروزی، دانشجوی رشته تاریخ این دانشگاه، در جریان اعتراضات اخیر بازداشت شده و خبری از وضعیت وی در دست نیست.

7- ایلیا بخشایی بازداشت شد

به گزارش باشگاه دانشجویان دانشگاه یزد، ایلیا بخشایی، دانشجوی علوم ورزشی ورودی ۱۴۰۱ این دانشگاه، در جریان اعتراضات اخیر بازداشت شده و خبری از وضعیت وی در دست نیست.

8- ایلیا میرزایی بازداشت شد

ایلیا میرزایی، ۲۲ ساله، اهل سیرجان و دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ رشته سلولی مولکولی دانشگاه علوم و تحقیقات، در جریان اعتراضات اخیر بازداشت شده است و تاکنون هیچ اطلاعی از وضعیت او در دست نیست.

9- سعید درودی آزاد شد

به گزارش شورای صنفی دانشجویان دانشگاه هنر ایران، سعید درودی، دانشجوی رشته نمایش عروسکی دانشگاه هنر که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۴ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، آزاد شده است.

***گزارش از کلاهبرداران مقابل دادسرای تهران؛ سوءاستفاده از خانواده بازداشتی‌ها**

عده‌ای به بهانه تسریع پرونده، با وعده آزادی بازداشتی‌ها از وضعیت خانواده‌ها سوءاستفاده کرده و از آنها چندصد میلیون تومان طلب می‌کنند

بی‌خبری، نگرانی و سردرگمی خانواده‌های بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر مقابل دادسرا و دادگاه‌ها، به فرصتی برای کلاهبرداری تبدیل شده است. افرادی با حضور در مقابل ساختمان‌های قضائی که محل رفت‌وآمد خانواده بازداشتی‌هاست، با معرفی خود به‌عنوان افراد بانفوذ یا حتی وکیل و دادن وعده‌هایی همچون تسریع پرونده، آزادی، حق تماس یا مرخصی، از خانواده‌ها مبلغ چندصد میلیون تومانی دریافت می‌کنند. این وعده‌ها بنا بر تأکید وکلای دادگستری، هیچ اثر قانونی ندارد و دروغ است. آنها ریشه اصلی این کلاهبرداری‌ها را نبود شفافیت و اطلاع‌رسانی مؤثر دستگاه قضائی، محدودیت شدید دسترسی وکلا به پرونده‌ها و افزایش تعداد بازداشت‌ها می‌دانند؛ ماجرای که پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ و افزایش بازداشت‌های آن زمان هم اتفاق افتاده بود.

مقابل دادگاه انقلاب، خانواده‌ها در رفت‌وآمدند. بیشتر آنها اطلاع چندانی از پرونده بازداشتی‌های خود ندارند؛ ماجرای که راه را برای سوءاستفاده کلاهبردارها و اخاذی فراهم می‌کند. بین این آدم‌های سردرگم، بسیاری برای اولین بار به این ساختمان پا گذاشته‌اند و از روند قضائی پرونده‌ها، مخصوصاً در این شرایط بی‌خبرند؛ خانواده‌هایی که وکیل یا مشاور حقوقی ندارند تا در این شرایط راهنمای آنها باشد. یکی از آنها زن میانسالی است. او از روند پرونده پسرش می‌گوید که هر روز پیگیر آن است: «چند روز از پسرم بی‌خبر بودم، با پادرد و هزار درد همه‌جا را گشتم، از پلیس امنیت تا اوین، ولی گفتند اسم او در هیچ‌کجا نیست. بالاخره خودش چند روز قبل تماس گرفت و گفت این مدت بازداشت بوده. من مُردم و زنده شدم. باور کنید در تمام آن چند روز اگر کسی را پیدا می‌کردم که پول می‌گرفت تا نشانی از پسرم بدهد، اگر داشتم حتماً این کار را می‌کردم. آدم بعضی وقت‌ها به هر چیز کوچکی هم امید می‌بندد. صدای پسرم را شنیدم خدا را شکر کردم، بی‌خبری از همه چیز بدتر است». این شیوه از کلاهبرداری را بیشتر آدم‌های جلوی دادگاه نمی‌شناسند. چند دختر و پسر جوان جلوی در دیگر دادگاه می‌گویند منتظر آزادی دوستشان هستند و تا به حال چیزی در مورد این شکل کلاهبرداری شنیده‌اند: «راستش اولین بار است که اصلاً به چنین جاهایی می‌آییم، ولی آن‌قدر آدم‌هایی که این چند روز دیدیم به معنای واقعی بیچاره بودند که شاید اگر چنین پیشنهادی به آنها شود، اگر امکانش را داشته باشند حتماً قبول می‌کنند. در این شرایط آدم به هر چیزی چنگ می‌زند، به هر

وعده‌ای امیدوار می‌شود. دقیقاً مشابه شرایطی که خانواده دوستم در این مدت تجربه کردند و ما شاهد آن بودیم». زن دیگری که چند متر جلوتر به دیوار تکیه داده، با جملات کوتاهی پاسخ می‌دهد: «این چند روز که اینجا می‌آمدم کسی به من چنین پیشنهادی نداد و تا به حال هم چنین چیزی را نشنیده بودم. ولی اگر کسی تجربه بازداشت داشته باشد، می‌داند این حرف‌ها همه دروغ است و هیچ‌کس نمی‌تواند کاری انجام دهد. همین الان از خانواده‌ها بپرسید چند نفرشان وکیل دارند. قول می‌دهم هیچ‌کدام وکیل ندارند و تا به حال پا به چنین جاهایی نگذاشته‌اند. از طرفی هم نگران یا بی‌خبر از بازداشتی خود هستند، طبیعتاً در این شرایط هر کلاهبردار و دزدی موفق می‌شود». چند زن و مرد دیگر هم مشابه او، در تمام این چند روز که پیگیر پرونده بازداشتی‌های خود بودند چیزی در مورد این ماجرا شنیده‌اند.

کمی دورتر از آنها مردی میانسال توضیح می‌دهد از زمان دستگیری‌های سال 1401 شنیده بود آدم‌هایی با پیشنهاد دریافت پول، قول آزادی به خانواده‌ها می‌دهند: «همه این وعده‌ها دروغ است. سال 1401 هم یکی از بستگان ما فریب یکی از آنها را خورد. پول را که واریز کرده بود، طرف دیگر جواب تلفنش را هم نداد؛ آن هم در شرایطی که خانواده‌ها از نظر روحی آسیب‌پذیرتر از هر وقت دیگری هستند. این سوءاستفاده است، آن هم نه 10 یا 15 میلیون تومان، بلکه عده‌های 80 میلیون، 90 میلیون تومان به بالا بود. یک نفر با بدبختی و هزار امید این پول را جمع می‌کند، ولی بعد از واریز دیگر ارتباط قطع می‌شود. تصور کنید خانواده‌ای که در این موقعیت قرار دارد چه بر سرش آوار می‌شود. همین، یک فشار مضاعف برای خانواده‌هاست.»

شلوگی مقابل دادگاه انقلاب کم و زیاد می‌شود، با این حال بیشتر آنها اطلاعی از این شکل وعده فروشی‌ها ندارند. هرچند بیشتر آنها اذعان دارند سردرگمی‌های قضائی که این روزها تجربه می‌کنند، احتمال قبول کردن پیشنهادهایی از این دست را در آنها بالا می‌برد.

تعرفه 500 تا 700 میلیون تومانی کلاهبرداران

بسیاری از وکلا هشدار می‌دهند در این روزهای شلوغ دادسرا و دادگاه‌ها، امکان سوءاستفاده افرادی وجود دارد که با عنوان افراد پرنفوذ برای تسریع روند پرونده از خانواده‌ها پول‌های قابل توجهی دریافت می‌کنند. عثمان مزین وکیل است و توضیح می‌دهد برخی در این شرایط از درد مردم برای خود کیسه می‌دوزند: «الان بسیاری از افراد بازداشت هستند و معلوم نیست پرونده آنها به کدام مرجع قضائی منتقل شده یا با وثیقه آنها برای آزادی موقت موافقت می‌شود یا نه؛ بنابراین امکان دارد این افراد به دلیل نگرانی بالایی که دارند، در دام کلاهبردارها بیفتند. پس دستگاه قضائی باید اطلاع‌رسانی شفاف برای خانواده‌ها انجام دهد تا فرصتی برای این سوءاستفاده‌ها فراهم نشود.»

این افراد با روش‌های مختلفی با خانواده بازداشتی‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. مزین در مورد نوع فعالیت این افراد توضیح می‌دهد: «این افراد که خود را فرد بانفوذ یا حتی وکیل معرفی می‌کنند، به دو شیوه رفتار می‌کنند؛ عده‌ای بعد از دریافت پول به‌طور کامل ناپدید می‌شوند، برخی هم پول را می‌گیرند و شروع به لایحه نوشتن و حتی قبول وکالت می‌کنند، در صورتی که دستگاه قضائی در این شرایط اصلاً وکالتی را قبول نمی‌کند. بنابراین عملاً این کارها دستاوردی برای خانواده بازداشتی ندارد. پس در این شرایط خانواده‌ها فقط به وکلای آشنا به پرونده‌های سیاسی و امنیتی مراجعه کنند. از طرفی دستگاه قضائی هم در این شرایط مجال ورود وکلا را در دادگاه به‌هیچ‌وجه نمی‌دهد. به

وکلائی مورد وثوق قوه قضائیه یا وکلای ماده 48 هم فقط اجازه اعلام وکالت می‌دهد؛ یعنی اساساً امکان مطالعه پرونده یا دفاع قانونی و صحیح هم برای آنها فراهم نیست». طبق گفته‌های مزین، این افراد معمولاً جلوی در دادسراها یا دادگاه انقلاب به سراغ خانواده‌ها می‌روند و برای موضوعات مختلف مثل وعده آزادی، پیگیری پرونده یا حتی حق تماس، با شمارمحساب‌های شخصی و حقیقی مبالغ قابل توجهی را پیشنهاد می‌دهند: «برای پرونده‌های سال 1401 مبالغ بین صد تا 500 میلیون تومان به خانواده‌ها پیشنهاد می‌شد که پرداخت کنند، اما طبق گزارش‌هایی که به من رسید، این اعداد امسال 500 تا 700 میلیون تومان بوده است. خانواده‌ها در این شرایط سردرگم‌اند و این کلاهبردارها از استیصال خانواده‌ها سوءاستفاده می‌کنند. مثلاً در همین چند روز به یکی از خانواده‌ها گفته بودند اگر مبلغی پرداخت کنند، روند پرونده تسریع پیدا خواهد کرد، در صورتی که هیچ فردی امکان ورود به پرونده یا مداخله در روند آن را ندارد.»

برخی وکلا دلیل این سوءاستفاده‌ها را نبود اطلاع‌رسانی شفاف دستگاه قضا می‌دانند. شهلا اروجی هم وکیل است و در این مورد می‌گوید: «در حال حاضر هیچ فردی نمی‌تواند خارج از مراحل قضائی برای افراد بازداشتی کاری انجام دهد. بنابراین هر فردی که به سراغ خانواده‌ها می‌رود تا در ازای مبلغی پول، در روند رسیدگی پرونده اثری بگذارد یا باعث آزادی متهم شود، شاید است. حتی در یکی از پرونده‌های مهم سال 1401 هم فردی به خانواده‌ها چنین پیشنهادی داده بود که بنده اجازه ندادم خانواده‌ها پولی واریز کنند؛ چون اینها همه امید واهی است که به خانواده‌های نگران می‌دهند. طبق داده‌هایی که به من رسیده بود، در سال 1401 از صد میلیون تا 300 میلیون تومان از خانواده‌ها پول می‌گرفتند تا اثری در پرونده ایجاد کنند. بنابراین عده‌های پیشنهادی امسال بیشتر هم خواهد بود، در حالی که از دست این افراد که خود را پرنفوذ معرفی می‌کنند، کاری برنخواهد آمد و صرفاً با توجه به شلوغی مراکز قضائی و تعداد بالای بازداشتی‌ها به دنبال کاسبی خود هستند.»

سوءاستفاده از نگرانی و بی‌خبری مردم

این روزها بسیاری از وکلا اعلام کرده‌اند به شکل داوطلبانه به خانواده‌های بازداشتی مشاوره می‌دهند که بخشی از این کار باعث آگاهی‌رسانی و کاهش چنین سوءاستفاده‌های مالی می‌شود. با این حال معاون قضائی رئیس کل دادگستری استان یزد یکم بهمن‌ماه درباره وکلایی که در اعتراضات اخیر اعلام وکالت رایگان کرده‌اند، گفته بود چنین اقداماتی با اخلاق حرفه‌ای وکالت سازگار نبوده و ممکن است موجب تهییج به اغتشاش شود.

در شرایطی که دسترسی وکلا به پرونده‌ها چندان مؤثر نیست و خانواده‌ها دچار سردرگمی هستند، امکان سوءاستفاده از خانواده بازداشتی‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین ابوذر نصرالهی، وکیل، می‌گوید: «وکیل دادگستری کنشگر سیاسی نیست، بلکه کنشگر حقوقی است. وظیفه حرفه‌ای وکیل دادگستری بر این محور قرار دارد که از حقوق متهم دفاع کند. حتی وکلایی که در این سال‌ها به قتل رسیدند در روند پیگیری‌ها، متهمی که مرتکب قتل وکیل شده بود هم در جلسات دادگاه مکلف به داشتن وکیل است تا در دادگاه از او دفاع کند». نصرالهی معتقد است این شرایط امکان سوءاستفاده مالی از خانواده‌ها را مهیا می‌کند و توضیح می‌دهد: «در این دوره روند رسیدگی به پرونده‌ها به دلیل تعداد بالای بازداشت‌ها بسیار کندتر از سال 1401 پیش می‌رود. از طرفی وکلا حق دسترسی به پرونده را ندارند و در دادسرا هم فقط وکلای ماده 48 امکان حضور دارند. همین موضوعات باعث

می‌شود برخی در مجامع قضائی به سراغ خانواده‌های نگران بروند و به بهانه آزادی یا پیگیری بازداشتی‌ها از آنها پول دریافت کنند».

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 9 بهمن

***بیانیه جمعی از دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه بهشتی**

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشکده داروسازی شهید بهشتی

ما، دانشجویان دانشکده داروسازی شهید بهشتی، با اندوهی عمیق، خشمی فروخورده و نگرانی سنگین که این روزها بر زندگی‌مان سایه انداخته، نمی‌توانیم نسبت به اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد ساکت بمانیم. از دست رفتن جان هموطنانمان و فضای سرشار از ترس، اضطراب و ناامنی روانی، توان و روحیه ادامه‌ی زندگی عادی را از بسیاری از ما گرفته است. آنچه این روزها در خیابان‌ها و شهرهای کشور می‌گذرد، تنها یک شرایط بحرانی نیست؛ بلکه واقعیتهای فرساینده است که سلامت روانی بخش بزرگی از جامعه، به‌ویژه دانشجویان را هدف قرار داده است.

فارغ‌التحصیلان آینده، کسانی که در بحبوحه‌ی بحران، نمی‌دانند باید به سوگند پزشکی خود عمل کنند و جان‌ها را نجات دهند یا امنیت و منافع شخصی خود را در اولویت قرار دهند. در چنین فضایی، انتظار تمرکز، یادگیری و حضور مؤثر در امتحانات، انتظاری غیرواقع‌بینانه و ناعادلانه است.

دانشگاه برای ما فقط یک نهاد آموزشی نیست؛ بلکه نهادی اجتماعی با مسئولیت انسانی و اخلاقی است. بی‌تفاوتی نسبت به رنج جامعه و تحمیل روال عادی آموزش در شرایطی که دانشجویان در سوگ، اضطراب و فشار روانی به سر می‌برند، نادیده گرفتن شأن انسانی و کرامت دانشجویان است.

ما دانشجویان نسبت به شرایط موجود معترض بوده و عدم حضور خود را در امتحانات تا زمان بهبود شرایط اعلام می‌کنیم.

عدم حضور ما در امتحانات نه از سر سهل‌انگاری یا بی‌توجهی به تحصیل، بلکه اعتراض به شرایطی است که امکان ادامه‌ی طبیعی فرآیند آموزش و حتی زندگی عادی را از ما سلب کرده است. ما با این اقدام، خواهان شنیده شدن صدای خود هستیم؛ صدای نسلی که خسته، نگران و زخمی است، اما همچنان برای آینده، علم و زندگی ارزش قائل است.

ما به‌طور جدی و صریح خواستار درک واقعی شرایط روحی و روانی دانشجویان، لغو امتحانات بدون هیچ‌گونه فشار، تهدید یا تبعات آموزشی، ایجاد فضای امن و انسانی در محیط دانشگاه، احترام به حق اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز دانشجویان هستیم.

ما باور داریم آموزش بدون آرامش روان، امنیت و احساس کرامت انسانی، معنایی ندارد. ما دانشجویان، با وجود تمام دردها و نگرانی‌ها، هنوز به روزهای آرام امید داریم؛ روزهایی که بتوان بدون ترس و اندوه، به علم، زندگی و آینده اندیشید.

جمعی از دانشجویان دانشکده داروسازی شهید بهشتی

بهمن ۱۴۰۴

***بیانیه‌ی جمعی از دانشجویان دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی بهشتی در همراهی با تحریم امتحانات**

بیانیه‌ی جمعی از دانشجویان دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در همراهی با تحریم امتحانات

ما، جمعی از دانشجویان دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، این بیانیه را در روزهایی می‌نویسیم که زمستانی خون‌بار از سر گذشته، اما اثرات آن هنوز بر جان و روان ما سنگینی می‌کند. در شرایطی که اندوه، خشم و استیصال گلوی ما را می‌فشارد، بازگشت به روال عادی و وانمود کردن به اینکه هیچ‌چیز رخ نداده، چیزی جز انکار واقعیتی تلخ و خیانتی آشکار به خون‌های ریخته‌شده نیست.

دانشگاه، همواره برای ما تنها محل آموزش نبوده است؛ بلکه فضایی برای آگاهی، گفت‌وگوی جمعی و بیان اعتراض‌های مسالمت‌آمیز بوده است. با این حال، تجربه‌ی زیسته‌ی ما در سال‌های گذشته نشان داده که پاسخ این مطالبات، نه شنیده‌شدن، بلکه سرکوب، تهدید و بی‌اعتنایی بوده است. در چنین فضایی، انتظار از دانشجو برای تمرکز، آرامش و شرکت در فرآیندهای آموزشی و امتحانی، نادیده‌گرفتن وضعیت واقعی جامعه و زیست دانشجویی است.

ما، دانشجویان این دانشکده، خود را در سوگ جان‌های از دست رفته شریک می‌دانیم. این ماتم، صرفاً احساسی فردی نیست؛ بلکه سوگی‌ست جمعی است که نمی‌توان آن را با سکوت یا ادامه‌ی ظاهری روزمرگی پنهان کرد. از همین‌رو، تصمیم گرفته‌ایم سهم خود را از این سوگواری و اعتراض، با تحریم امتحانات و عدم حضور در آن‌ها ادا کنیم و در کنار خانواده‌ها و عزیزان داغدار بایستیم.

این کنش، نه از سر بی‌تعهدی به آموزش، بلکه تلاشی آگاهانه برای یادآوری این حقیقت است که آموزش، بدون امنیت، آرامش و کرامت انسانی، تهی و بی‌معناست. ما همچنان به امکان روزهایی انسانی‌تر باور داریم؛ روزهایی که در آن دانشگاه بار دیگر بتواند نقش واقعی خود را ایفا کند و دانشجو، بدون ترس و اندوه، به علم، زندگی و آینده بیندیشد.

جمعی از دانشجویان دانشکده تغذیه

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمستان ۱۴۰۴

منبع انتشار 2 بیانیه بالا: کانال صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر تهران**

در شرایطی که جامعه با سوگ، ناامنی و سرکوب گسترده روبه‌روست، از دانشجویان انتظار می‌رود روند «عادی» دانشگاه را ادامه دهند؛ گویی این وضعیت، مسئله‌ای قابل چشم‌پوشی است. دانشگاه، به‌جای همراهی با دانشجو، مسیر سکوت و انفعال را برگزیده است.

تعطیلی خوابگاه‌ها، غیرحضورسازی آموزش، برگزاری امتحانات مجازی و تحمیل حضورهای غیرمنطقی و ارزشیابی‌های ناعادلانه بر دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهش‌محور، نشان‌دهنده بی‌توجهی آشکار به امنیت، سلامت روان و کرامت انسانی دانشجویان است. به‌ویژه پیام رسمی آموزش دانشگاه مبنی بر حذف درس به‌جای ثبت غیبت در صورت عدم شرکت در امتحانات، مصداق روشن فشار، تهدید و تلاش برای سانسور اعتراض دانشجویی است. ما این رویکرد را صراحتاً محکوم می‌کنیم.

دانشگاه، که باید پناه و صدای دانشجو باشد، در برابر کشته‌شدن، بازداشت و آسیب‌دیدن دانشجویان و هم‌نسلان ما سکوت کرده است. این سکوت، نه بی‌طرفی، بلکه همراهی با سرکوب است. ما دانشجو را صرفاً یک عدد آموزشی نمی‌دانیم. سلب حق اسکان، محدودسازی حضور و تهدید به حذف درسی، نشانه‌ی هراس از قدرت جمعی و کنش آگاهانه‌ی دانشجویان است.

در چنین شرایطی، برگزاری امتحانات—به‌ویژه به‌صورت مجازی و همراه با فشار و تهدید—در راستای عادی‌سازی خشونت و بی‌عدالتی است. از تمامی دانشجویان دیگر دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها دعوت می‌کنیم با همبستگی، صدای جمعی دانشجو را در برابر حذف، سانسور و سرکوب تقویت کنند.

***بیانیه جمعی از دانشجویان پردیس علوم دانشگاه تهران و دعوت به تحریم امتحانات**

به نام زن، زندگی، آزادی و با قلبی سرشار از اندوه و رنج و خشم، اعلام می‌کنیم که همگام با دیگر دانشجویان دانشگاه، آزمون‌های پایان‌ترم را که مصداقی از تلاش حاکمیت برای عادی جلوه دادن شرایط است، تحریم می‌کنیم. در روزهایی که ایران عزیز ما، داغ‌دار گل‌هایی است که در راه آزادی و عدالت پرپر شده‌اند و مسئولان سنگدل، حتی حق سوگواری جمعی ما را به رسمیت نمی‌شناسند، حداقل کنش اخلاقی ممکن، عدم همراهی با سیستم طراحی شده جهت سرکوب و «خفه» کردن صدای دانشجو و دیگر اقدار جامعه است.

در شرایطی که نفس کشیدن نیز نوعی مقاومت سیاسی و مبارزه با استبداد است؛ در شرایطی که هیچ تضمینی برای حق حیات دوستان و هم‌کلاسی‌های ما در روزهای آتی وجود ندارد، درگیر شدن با سؤالاتی که قرار بود پاسخ‌شان را جان‌فشانانی چون آیدا، رها و محمدرضا نیز بدهند اما تفنگ‌های آغشته به خون این اجازه را به آن‌ها نداد، مصداق بارز همراهی با قاتلان و خیانت به خون عزیزان‌مان است.

اساتیدی که سکوت پیشه کرده‌اند و در تیره و تاریک‌ترین روزهای این خاک، کوچک‌ترین صدایی از آن‌ها نمی‌شنویم نیز مخاطب ما هستند. حال که بین «ما» و «آن‌ها» دیواری به نام [نه] وجود دارد، دیواری که تا آخرین لحظه‌ی زندگی ما، مستحکم و پر قدرت ایستاده است، شما نیز محکوم به انتخاب هستید. هیچ میانه‌ای وجود ندارد و سکوت شما مساوی با ظلم ظالم است.

ما از دیگر دانشجویان دانشگاه و دانشجویان دانشگاه‌های دیگر، دعوت می‌کنیم که با همراهی با این صدا، پیام را به‌طور واضح و شفاف به تمام بانیان وضع موجود برسانند.

جاوید ایران.

نه به فراموشی.

منبع انتشار 2 بیانیه بالا: کانال دانشگاه تهران - دانشجو

***پیام همبستگی اتحادیه کارگران حمل و نقل میلان ایتالیا**

در هفته‌های اخیر، ما اعتراضات در کشور شما را دنبال کرده‌ایم. اعتصاب‌ها و تظاهرات در بسیاری از شهرها به شدت سرکوب شده‌اند.

ما همبستگی کامل خود را با مبارزه شما ابراز می‌کنیم. ما با آنچه در یکی از بیانیه‌های شما نوشته شده بود هم‌نظر هستیم: اینکه اعتراضات «برای ساختن آینده‌ای رها از سلطه سرمایه، بر پایه آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی» است. کارگران برای رهایی خود باید تنها به نیروی خود تکیه کنند.

دنیای امروز با درگیری‌های مرگبار شناخته می‌شود و خود را برای درگیری‌های حتی ویرانگرتر آماده می‌کند. این موضوع با تسلیح مجددی که تمام قدرت‌ها در حال انجام آن هستند، نشان داده می‌شود.

در سال‌های اخیر، بیش از پیش روشن شده است که هیچ معاهده، توافق یا قانون بین‌المللی وجود ندارد که بتواند از جنگ جلوگیری کند. به وضوح، زور تنها چیزی است که اهمیت پیدا کرده است. به همین دلیل است که کارگران در هر کشوری نباید اجازه دهند که در دام ملی‌گرایی و تعصب کشیده شوند. در عوض، آن‌ها باید بدون توجه به رنگ پوست، مذهب یا ملیت با یکدیگر متحد شوند.

کارگران با اتحاد در یک سازمان منسجم، می‌توانند به قدرتی در میان قدرت‌ها تبدیل شوند و برای پایان دادن به این دنیای استثمار و توحش مبارزه کنند.

۱۳ ژانویه ۲۰۲۶ (۲۳ دی ۱۴۰۴)

اتحادیه کارگران حمل و نقل میلان ایتالیا

FILT-CGIL workers ATM – MILAN TRANSPORT COMPANY

توضیح: این پیام بدلیل قطع اینترنت با تأخیر منتشر میشود.

چاره‌ی کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۹ بهمن ۱۴۰۴

***پیام دریافتی از کمیسیون‌های کارگری اسپانیا در حمایت از مردم ایران**

کمیسیون‌های کارگری اسپانیا (کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اسپانیا)، با بیش از یک میلیون عضو، حمایت و همبستگی خود با مردم ایران را اعلام کرده و ضمن اعتراض به کشتار معترضان، خواستار توقف قتل‌عام حکومتی شده است. این کنفدراسیون همچنین مخالفت خود را با هرگونه مداخله‌ی نظامی خارجی در امور ایران ابراز کرده است.

این موضع‌گیری در چارچوب تعهد کمیسیون‌های کارگری اسپانیا به آزادی‌های بنیادین، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و تقویت همبستگی بین‌المللی جنبش‌های کارگری و مدنی صورت می‌گیرد.

چاره‌ی کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۹ بهمن ۱۴۰۴

***هشدار کارگران گروه ملی فولاد**

آقای اسکندری؛

اگر ذره‌ای دلسوزی برای این استان و این کشور در وجودت بود، اساساً چنین جایگاهی را نمی‌پذیرفتی. مدیریتی که بر ویرانه‌های رنج کارگر بنا شود، افتخار نیست ننگ است. چند ماه هم از ورودت نگذشته، اما حالا حرف از استعفا می‌زنی، این یعنی از همان ابتدا نه برنامه داشتی، نه فهم مسئولیت، نه درک سنگینی این جایگاه.

مگر استان بازیچه است که هرکس از راه رسید، هر تصمیمی دلش خواست بگیرد و بعد هم بدون پاسخ‌گویی کنار بکشد؟ اگر قانون و نظارت واقعی وجود داشت، اگر ساختار مدیریتی سالم بود، هرگز جرأت نمی‌کردی چنین جایگاهی را بپذیری. اما وقتی همه‌چیز بر پایه رابطه، توصیه، بدهبستان و زدوبند می‌چرخد، طبیعی است که افراد بی‌صلاحیت هم بر صندلی‌های بزرگ تکیه بزنند.

واقعیت تلخ این است که این جایگاه تو را هول کرد. خودت را گم کردی. چون برای کسی که دیروز در جایگاه یک راننده ی بله‌قربان‌گو بود، امروز نشستن بر صندلی مدیرعاملی، شبیه رؤیاست رؤیایی که نه از لیاقت آمده نه از شایستگی، بلکه از مسیرهای تاریک و ناسالم. همین است که مدیریتت بوی سردرگمی می‌دهد، تصمیم‌هایت بوی بی‌برنامگی، و رفتارهایت بوی تحقیر کارگر.

مدیریت، لباس نیست که به هر کسی اندازه شود. مدیریت، مسئولیت است، تعهد است، پاسخ‌گویی است، شجاعت است. کسی که با اولین فشار به فکر استعفا می‌افتد، از ابتدا برای این جایگاه ساخته نشده. گروه ملی فولاد اهواز نیاز به مدیر دارد، نه مسافر. نیاز به رهبر دارد، نه کارمند ارتقایافته با رابطه.

این استان، این مردم، این کارگران، ابزار آزمایش نیستند. جایگاه مدیریت ارث پدری نیست. اگر نمی‌توانی پاسخ‌گو باشی، اگر برنامه نداری، اگر توان مدیریت بحران نداری، شرافتمندانه کنار برو؛ اما قبلش بدان مشکل فقط رفتن تو نیست، مشکل سیستمی است که امثال تو را بالا می‌کشد و انسان‌های شایسته را کنار می‌زند.

موضوع بعدی

پرداخت نشدن هزینه بیمه تکمیلی کارگران

این دیگر تأخیر ساده یا سوءمدیریت نیست، این عین دست بردن به جیب و دزدی از کارگر است. کارگری که تمام عمر و توان خود را در کارخانه و خط تولید گذاشته، امروز برای درمان خود و خانواده‌اش باید شرمندۀ باشد، چون مسئولین شرکت حتی هزینه بیمه تکمیلی را که از حقوق او کسر شده پرداخت نکرده‌اند.

در شرایطی که اقتصاد کشور نابسامان است و هزینه‌های درمان و زندگی روزبه‌روز سرسام‌آورتر می‌شود، چنین رفتارهایی چیزی جز خیانت به کارگر نیست. پولی که از جیب کارگر کم شده، امانت بوده، نه سرمایه شخصی مدیران برای بازی‌های مدیریتی و سیاسی.

این یک هشدار جدی است اگر در روزهای آینده بدهی‌های بیمه درمانی کارگران به‌طور کامل پرداخت نشود، این بی‌عدالتی با واکنش قاطع کارگران مواجه خواهد شد. کارگر دیگر توان تحمل این تحقیر و بی‌توجهی را ندارد.

***مرگ و مصدومیت 6 نفر بر اثر آتش‌سوزی در یک سوله نگهداری مواد پلیمری و رزین شهرک صنعتی کاوش ساوجبلاغ**

روزی پنجشنبه 9 بهمن، بر اثر آتش‌سوزی در یک سوله نگهداری مواد پلیمری و رزین شهرک صنعتی کاوش ساوجبلاغ، استان البرز 2 نفر جان خود را از دست دادند و 4 نفر دیگر هم مصدوم شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com